

## امپریالیستها و جمهوری

### اسلامی!

توان فنی و تکنولوژیک جمهوری اسلامی چگونه قادر است بدون همکاری و یاری قدرتهای بزرگ امپریالیستی، خود به پیشرفته ترین فن آوری اتمی دست یابد همواره می کوشند با تکیه بر ادعای واهی استقلال جمهوری اسلامی از امپریالیست ها و ضدیت اش با قدرتهای بزرگ و یا حداکثر استفاده از "بازار سیاه" برای تهیه مواد و تولیدات استراتژیک نظامی، نقش خود در آنچه در ایران می گذرد (سیطره فقر و فلاکت وحشتناک و جنایات روزمره) را کتمان نمایند. متأسفانه این تبلیغات فریبکارانه در ۳۰ سال گذشته بی نتیجه نبوده و ما شاهد تأثیرات چنین تبلیغاتی در افکار عمومی و حتی در جریانات "چپ" هم بوده ایم. به همین دلیل هم هست که مساله رابطه امپریالیستها با جمهوری اسلامی و ادعاهای مربوط به ضد امپریالیست بودن این رژیم به عنوان یکی از مهمترین مسایل در تحلیل ماهیت جمهوری اسلامی در ۳۰ سال اخیر، در میان نیروهای اپوزیسیون این رژیم، نقش کلیدی بازی کرده و به منشا انحرافات نظری و عملی متعددی در صفوف اکثریت نیروهای نامبرده تبدیل شده است. مثلا در همین زمینه **ماشاهد تحلیلهای غیر واقعی ای هستنیم که با قبول تبلیغات جاری مطرح می کنند که جمهوری اسلامی بر خلاف رژیم شاه " رژیم مطلوب" سرمایه های جهانی و امپریالیستها نیست و آنها خواهان تعویض آن با یک رژیم مطلوب و "متعارف" سرمایه داری هستند. اما به راستی، رژیم "دلخواه" و "مطلوب" امپریالیستها از چه خصوصیات برخوردار است که گویا جمهوری اسلامی فاقد آن است؟! و چگونه رژیمی است؟! اگر پاسخ این باشد که آن رژیمی است که قادر به تامین منافع دلخواه امپریالیستها و سرمایه جهانی باشد، آنگاه می بینیم که چنین تحلیل هائی بدون در نظر گرفتن عملکرد روزمره و عینی این رژیم اسیر تبلیغاتی شده اند که اتفاقا هدفشان لاپوشانی ماهیت جمهوری اسلامی و فعالیت روزانه اش در جهت پیشبرد اهداف قدرتهای بزرگ سرمایه داری جهان می باشد،**

چنین تحلیلهائی در نظر نمی گیرند که اگر بجای جمهوری اسلامی مثلا رژیم شاه(که حداقل در میان نیروهای چپ ظاهرا کمتر شکی در مورد وابسته بودن آن به امپریالیستها وجود دارد) به مثابه رژیمی "مطلوب" و "متعارف" و ... بر سر کار بود، چه کار دیگری را برای خدمت به اربابانش انجام می داد که جمهوری اسلامی در ۳۰ سال گذشته در سطحی وسیعتر انجام ن داده و یا ناتوان از انجامش بوده است؟

حتی نگاهی گذرا به عملکردهای جمهوری اسلامی نشان می دهد که این رژیم در جهت تامین منافع امپریالیست ها از هیچ تلاشی فرو گذاری نکرده و در این راه دست به هر رذالت و جنایتی زده است. از سرکوب وحشیانه کارگران و

صفحه ۲

تشدید تبلیغات قدرتهای بزرگ جهان در رابطه با "خطر" پروژه هسته ای جمهوری اسلامی و تاکید مکرر رئیس جمهور آمریکا بر این امر که جلوگیری از مسلح شدن جمهوری اسلامی به سلاح اتمی یکی از الویت های سیاست خارجی وی می باشد - با این منطق که این امر به تشدید مسابقه تسلیحاتی در منطقه دامن می زند!- و اشارات مقامات مختلف نظامی و سیاسی آمریکا بر این نکته که جهت باز داشتن جمهوری اسلامی از مسلح شدن به سلاح اتمی همه "گزینه" ها در نظر گرفته خواهد شد، همه اینها مسئله احتمال حمله نظامی به ایران را باز هم به موضوع تحلیل های خبری تبدیل نموده و طبیعتا بار دیگر ماهیت روابط جمهوری اسلامی با امپریالیستها را به یکی از موضوعات برجسته روز تبدیل نموده است.

در این میان در حالیکه برخی از تحلیل های واقع بینانه با تکیه بر تجربه روابط ۳۰ ساله جمهوری اسلامی با قدرتهای بزرگ و از جمله آمریکا و با تکیه بر این واقعیت که جمهوری اسلامی مجری سیاستهای امپریالیسم در ایران و منطقه می باشد، سعی دارند از ورای این تبلیغات ظاهری، به واقعیت موضوع پی ببرند، اما جریانات و نیرو هائی که عادت کرده اند کار خود را از آنجا شروع کنند که تبلیغات امپریالیستی تمام کرده است با بالا گرفتن این تبلیغات باز هم با قاطعیت نغمه حمله نظامی جهت "تغییر رژیم" که در زمان ریاست جمهوری بوش شدیداً تبلیغ می شد را سر داده اند.

واقعیت این است که در ۳۰ سال گذشته تبلیغات امپریالیستی هماهنگ با ماشین تبلیغاتی جمهوری اسلامی کوشیده تا ضمن گمراه نمودن افکار عمومی، رژیم جنایتکار حاکم بر ایران را رژیمی ضد امپریالیست و ضد امریکائی جلوه دهد و این واقعیت در تحلیلهای و تبلیغاتی که در رابطه با پروژه هسته ای جمهوری اسلامی و چگونگی واکنش قدرتهای بزرگ به آن در جریان است با برجستگی خود را نشان می دهد . رسانه های امپریالیستی بدون اینکه به این امر پیردازند که رژیمی در سطح و



که سالهاست بر نظام سرمایه داری در سطح جهانی حکمفرماست و با تأکید باز هم بیشتر بر بحران دامن گیر این نظام، بهترین حافظ سرمایه های جهانی و صاحبان خونخوار آن بوده است.

معمولاً نیروهائی که چه بدلیل سطحی نگرى و کوتاه بینی و چه به خاطر فرصت طلبی، با تبلیغات امپریالیستی همراه می شوند، پایگاه طبقاتی رژیم جمهوری اسلامی و خدمت گزاری آن به امپریالیست ها را کتمان نموده و همه اعمال استثمارگرانه و جنایتکارانه این رژیم را با عقب ماندگی و مذهبی بودن آن توجیه می کنند. آنها، مثلاً با تأکید بر نقش مذهب و اسلام در نظام حاکم و استفاده از آن برای آراستن روینای سیاسی این نظام، در سطح باقی مانده و دیگر خود را ملزم نمی بینند تا توضیح دهند که این روینای عقب مانده و مذهبی در خدمت تحکیم پایه های کدام اقتصاد قرار دارد و به منافع کدام دسته از استثمارگران خدمت می کند. واقعیت این است که مذهبی بودن رژیم حاکم در ایران یکی از اشکال حکومتی سرمایه داران وابسته به امپریالیسم می باشد. اتفاقاً، یک نگاه سریع به ماهیت رژیمهای سیاسی در کشورهای وابسته به امپریالیسم از وجود یک تنوع گسترده در شکل این رژیمهای ضد خلقی و وابسته حکایت می کند که علیرغم تفاوت در شکل، از نظر ماهیت و عملکرد، همگیشان در وابستگی به امپریالیسم و پیشبرد منافع دول امپریالیستی مشترکند. از دولتهای غیر مذهبی و سکولار مزدور و گوش به فرمان آمریکا در آمریکای لاتین گرفته تا مذهبی ترین و مرتجعترین حکومتهای مزدور امپریالیسم در بغل گوشمان در عربستان سعودی و کویت و ... نمونه هایی هستند که برغم تفاوت در شکل و روینا مدافع بی چون و چرای سیاستهای امپریالیسم و در راس آنها آمریکا بر علیه کارگران و خلقهای تحت ستم می باشند. در نتیجه هنگام بررسی ماهیت وابسته رژیمها به امپریالیسم، نباید شکلی که این رژیم ها به لحاظ سیاسی به خود گرفته اند بلکه در اساس باید محتوا و ماهیت آنها مورد توجه قرار گیرد تا طبیعت وابسته و یا مستقل آنها را از امپریالیسم را معلوم گردد.

صفحه ۲

خلقهای ستمدیده ایران گرفته تا هموار کردن هر چه بیشتر مسیر هجوم لجام گسیخته تر سرمایه های غارتگر امپریالیستی به اقتصاد کشور، از بازسازی و توسعه نظام سرمایه داری وابسته گرفته تا تسهیل شرایط تامین مافوق سودهای عظیم برای انحصارات مالی و تجاری امپریالیستها، از مشارکت در یک جنگ ارتجاعی و ویرانگر ۸ ساله به نفع امپریالیستها و صنایع نظامی و نفتی و اسلحه سازیهای آنان در منطقه گرفته تا تقویت و تغذیه و تسلیح دار و دسته های سیا ساخته و ضد انقلابی زیر نام "بنیاد گرای اسلامی" در خاور میانه، از پیشبرد سیاستهای ضد خلقی بزرگترین قدرتهای امپریالیستی در بازارهای نفت و گاز دنیا گرفته تا اجرای سیاستهای خانه خراب کن بانک جهانی و صندوق بین المللی پول و ... آیا در ۲۰ سال گذشته هیچ عرصه ای وجود داشته که ما در آن جمهوری اسلامی را در حال خدمتگزاری به سرمایه داری انحصاری جهانی یعنی امپریالیسم نبینیم؟ بنابراین، آیا با گذشت ۲۰ سال از حاکمیت جمهوری اسلامی در تمام عرصه ها نشان داده نشده که این رژیم هم همچون رژیم شاه یک رژیم تا مغز استخوان وابسته به انحصارات و دول امپریالیستی می باشد که وظیفه ای جز تامین منافع استثمارگرانه و ضد خلقی امپریالیستها در ایران و منطقه نداشته و ندارد؟ مگر نظامی که جمهوری اسلامی از رژیم وابسته شاه به ارث برد، همان نظام سرمایه داری وابسته به امپریالیسم نبود؟ و مگر مطالعه ساختار اقتصادی حاکم بر جامعه ما بدون کمترین تردیدی نشان نمی دهد که رژیم جمهوری اسلامی از همان آغاز جز در جهت ترمیم و توسعه آن حرکت نکرد؟ آیا این نظام به ارث رسیده از زمان شاه، کماکان در جهت تامین منافع اقتصادی و سیاسی بزرگترین قدرتهای امپریالیستی سازنده آن حرکت نمی کند؟ بدون شک یک پاسخ واقع بینانه و متکی به حقایق واقعیت های فوق را تأیید می کند. واقعیت این است که جمهوری اسلامی در طول ۲۰ سال گذشته و از زمانی که در چارچوب توافقات دولتهای امپریالیستی در کنفرانس "گوادالوپ" در ایران به قدرت رسید، تنها یک رژیم "مطلوب" برای امپریالیست ها نیست بلکه مطلوبترین آنها است. این رژیم اتفاقاً با در نظر گرفتن شرایط بحرانی ای

## گوشه دیگری از روابط جمهوری اسلامی با امپریالیستها

افشای گزارشات مربوط به روابط پنهانی جمهوری اسلامی با شرکتهای امپریالیستی متعلق به "شیاطین بزرگ و کوچک" هم چنان ادامه دارد. یکی از مهمترین نکات این گزارشات عبارت از این است که جمهوری اسلامی در طول ۲۰ سال گذشته برغم تمامی تبلیغات فریبکارانه اش بر علیه امپریالیستها نه تنها در معرض به اصطلاح "تحریم" این دولتها قرار نداشته بلکه همچون زمان رژیم شاه یکی از بهترین مشتری های کمپانیهای اروپای و آمریکایی بوده است.

اخیراً به گزارش نشریه آمریکائی وال استریت جورنال در ارتباط با نام برخی از شرکتهایی که با اصطلاح تحریم علیه جمهوری اسلامی را نقض کرده اند معلوم شده که علیرغم اینکه شرکت فرانسوی - آمریکائی "تایکو" مدعی است که کالانی به جمهوری اسلامی نفروخته و تحریم های دولت آمریکا را نقض کرده است، اما تحقیقات آژانس بین المللی انرژی اتمی نشان می دهد که یک شرکت ایرانی توانسته است سوپاپ های خطر و ابزار های اندازه گیری خلاء که ساخت این کمپانی می باشد و در غنی سازی اورانیوم کاربرد دارند را بدست آورد. به گزارش مزبور، جمهوری اسلامی در شرایطی به این تجهیزات دست یافته که شرکت فرانسوی سازنده آن تا ماه دسامبر ۲۰۰۹ در تملک مجتمع صنعتی تایکو انترناسیونال آمریکا بوده است.

همچنین در سال ۲۰۰۸ غلام حسین نجابت سخنگوی پتروشیمی جمهوری اسلامی با نام بردن از چند شرکت اروپایی - آمریکایی اعلام کرد که "ما هیچگاه مشکلی نداشته ایم. تمامی تکنولوژی ای که می خواستیم دریافت نمودیم. در نهایت تکنولوژی آمریکائی از طرف کشورهای دیگر هم ارائه می شوند..... ما این تکنولوژی را توسط شرکتهایی نظیر Technip, Basell, Linde, Uhde دریافت می کنیم.

این گزارشات با افشای گوشه ای از منابع تامین نیازهای جمهوری اسلامی، بار دیگر تنیدگی روابط قدرتهای بزرگ با جمهوری اسلامی را آشکار ساخته و ماهیت فریبکارانه تحریم های ادعائی آنها بر علیه دیکتاتوری حاکم بر ایران را در مقابل چشم همگان قرار میدهد.



## تشدید بحران و رقابتهای کمپانی های

### خودرو سازی امپریالیستی!

کمپانی های امریکائی است تا نقش و قدرت رقباى خود را در بازار خودرو تضعیف سازند. از سوی دیگر تجربه نشان داده که همانطور که فساد و رشوه جزء ذاتی نظام موجود می باشد توطئه و پرونده سازی هم از خصوصیات همیشگی این سیستم ضد مردمی است که ادعای "دمکراسی" و "رقابت آزاد" اش گوش فلک را کر کرده است. کمپانی های امریکائی از طریق دادگاه های آمریکا در مورد رقباى آلمانی خود بر واقعیتی انگشت گذاشته اند که اگر یک سیستم مردمی بر دستگاه قضائی این کشور حاکم بود قبل از هر چیز می بایست خود این کمپانی ها را به "دادگاه" بکشاند.

آنچه از چنین رویدادی می توان آموخت این است که در شرایط بحران و برای کسب سود بیشتر سرمایه داران از هیچ اقدامی برای به عقب راندن رقباى خود کوتاهی نمی کنند. آنها در حالیکه به اشکال گوناگون بار اصلی بحران را بر دوش کارگران و زحمتکشان سرشکن می کنند از گرفتن پاچه رقبا نیز دریغ نمی ورزند تا راحت تر بتوانند از بحرانی که کل نظام پوسیده امپریالیستی را فرا گرفته جان سالم به در ببرند. خبر دادگاهی کردن شرکت خودرو سازی دایملر آلمان در امریکا، در شرایطی منعکس گشته که صنایع ماشین سازی آلمان و از جمله شرکت دایملر همچون صنایع امریکائی با یکی از عمیق ترین بحرانهای دوران حیات خود روبرو می باشند و دولتهای اروپایی و آمریکا با اعمال حمایتهای بی سابقه، از کمپانی های کشور های خود با چنگ و دندان به تلاش برای جلوگیری از سقوط و نابودی آنها پرداخته اند. در سالهای اخیر تشدید رقابتهای غارتگرانه بین انحصارات امپریالیستی در عرصه های مختلفی بروز یافت و به طور مثال دعوای بین شرکت بویینگ آمریکا و ایرباس اروپا و اختلاف بر سر درجه حمایت دولتهای آمریکا و اروپایی از هر کدام از این شرکتها به یکی از بزرگترین و پرخرجترین پرونده های دعوای مالی در غرب تبدیل شد.

در چهارچوب رشد بحران اقتصادی نظام امپریالیستی و بالا گرفتن تضادهای غارتگرانه میان انحصارات امپریالیستی به منظور کسب بازارهای بیشتر، اخیراً یکی از دادگاه های آمریکا شرکت خودرو سازی دایملر آلمان را متهم نموده که در طی ده سال گذشته با پرداخت رشوه به مقامات حداقل ۲۲ کشور جهان موفق به امضاء قراردادهای سودآور با آنها شده است.

مصر، عراق، نیجریه، ترکیه، روسیه و چین از جمله کشورهایی هستند که در این ادعا نامه نامشان مطرح گشته است. جای تردید نیست که فساد و رشوه دهی و رشوه گیری جزء ذاتی نظام استثمارگرانه سرمایه داری است و از آنجا که دادگاه های آمریکا به مثابه بخشی از این نظام از این قاعده مستثنی نبوده و نیستند پس باید دید که چه عواملی باعث افشای این واقعیت در شرایط جاری و تبلیغ حول آن شده است.

امروز با بالاگرفتن بحرانی که کل نظام سرمایه داری را فراگرفته و موجودیت برخی از بزرگترین موسسات و انحصارات امپریالیستی را به خطر انداخته، کمپانی های گوناگون نیز به جان یکدیگر افتاده و در تلاش اند تا با هر وسیله ای دست رقباى خود را از بازار موجود که به دلیل بحران اقتصادی جاری شدیداً تحت فشار می باشد کوتاه کنند. اعلام اتهام شرکت آلمانی در دادگاه های آمریکا انعکاسی هر چند کوچک از این واقعیت است. در حقیقت طرح این ادعا ( که البته نمی توان آن را غیر واقعی دانست) در شرایط بحران بسیار جدی ای که کمپانیهای بزرگ امپریالیستی در بازار خودرو سازی را در بر گرفته است، نشان دهنده بخشی از تلاش

## جمهوری اسلامی مطلوبترین رژیم برای امپریالیستهاست... از صفحه ۲

اتفاقاً یک نگاه تاریخی در همین زمینه برای نیروهای واقع بین نشان می دهد که در چند دهه اخیر، گرایش سرمایه داری جهانی به استفاده از ارتجاعی ترین قوانین و لفاظیه های مذهبی برای تسهیل استثمار و سرکوب طبقه کارگر و توده های ستمدیده در کشورهای وابسته هر چه بیشتر فزونی یافته است. در واقع به موازات انکشاف هر چه بیشتر سلطه امپریالیستی در سطح جهان، ما شاهد استفاده چشمگیر و فزاینده امپریالیستها از نقش مذهب و بویژه اسلام در بطور مثال خاورمیانه برای توسعه سلطه امپریالیسم بوده ایم. چرا که مذهب بدلیل اینکه وسیله تسهیل استثمار توده هاست، ظرفیتهای هر چه بیشتری را در اختیار امپریالیستها و مزدورانشان برای تامین منافع استثمارگرانه آنها در کشورهای وابسته و تسهیل سرکوب و منحرف ساختن مبارزات ضد امپریالیستی توده های محروم گذارده است.

با در نظر گرفتن این واقعیات حال می توان تاکید کرد که در شرایط و اوضاع و احوال کنونی حاکم بر نظام امپریالیستی، هیچ رژیم دیگری به اندازه جمهوری اسلامی نمی توانست در راه استثمار و سرکوب کارگران و توده های محروم ما و تامین منافع اقتصادی و سیاسی و نظامی آنها در ایران و در سطح منطقه به نحوی "مطلوب" به قدرتهای امپریالیستی و از جمله دولت آمریکا خدمت کند.

همگان می دانند که اصلی ترین مسئله قدرتهای بزرگ تامین منافع و مصالح خود می باشد و در این زمینه با هیچ نیرو و رژیمی شوخی ندارند. در نتیجه با دیدی درست مبتنی بر تجربه کاملاً به وضوح می توان دید که اگر همین پروژه هسته ای جمهوری اسلامی دهها جور منفعت به آنها نمی رساند آنها هرگز اجازه نمی دادند که جمهوری اسلامی اساساً در این راستا گام بردارد. در پوشش این پروژه است که بزرگترین صنایع نظامی آمریکا و شرکا تحرک بیشتری یافته و بازارهای جدیدی کسب می کند و میلیارد ها دلار از خزانه کشور به جیب انحصاران امپریالیستی ریخته می شود و از آن مهمتر به بهانه اتمی شدن ایران همه دولتهای منطقه تشویق به ایجاد نیروگاه اتمی و بیشتر مسلح شدن می شوند که خود متضمن میلیاردها دلار سود برای قدرتهای جهانی در شرایط بحران است.

با در نظر گرفتن همه این حقایق و با بررسی آنها از یک دیدگاه علمی و تاریخی ست که می توان به نقش واقعی و اهمیت وجود جمهوری اسلامی برای منافع امپریالیستها در ایران و منطقه بیشتر پی برد و با افشای هر چه گسترده تر ماهیت این رژیم به مثابه مطلوبترین رژیم در ۳ دهه گذشته برای امپریالیستها در ایران و منطقه، تبلیغات امپریالیستی را نقش بر آب کرد و به امر پیشرفت مادی و معنوی جنبش کارگران و توده های ستمدیده برای سرنگونی این رژیم و مهمتر از آن نظامی که پاسداری از آن را بر عهده دارد کمک نمود.



## جمهوری اسلامی، رژیم اعدام!



رژیم جمهوری اسلامی بار دیگر در کنار رژیم ضد خلقی چین در راس رژیمهایی قرار گرفت که به اعدام شهروندان خویش دست می زنند. بخش چشمگیری از اعدامهای انجام شده توسط جمهوری اسلامی در یک فاصله کوتاه و در جریان خیزش عظیم توده ها پس از باصلاح انتخاب احمدی نژاد صورت گرفته است. اخیرا سازمان عفو بین الملل در گزارش سالانه خود در رابطه با مجازات اعدام در سال ۲۰۰۹ اعلام نمود که جمهوری اسلامی حداقل ۲۸۸ نفر را در سال گذشته اعدام نموده که تعدادی از آنها نوجوان بوده اند. حتی اگر رقم واقعی اعدام شدگان همین تعدادی باشد که سازمان عفو بین الملل اعلام نموده، می توان دید که در حقیقت جدا از قتل و کشتار توده ها در خیابانها و سیاه چالها، جمهوری اسلامی در فاصله کوتاهی هر روز به طور متوسط بیش از یک نفر را رسماً اعدام نموده است. بر اساس این گزارش جمهوری اسلامی در سال گذشته پس از چین بیشترین تعداد افراد را اعدام نموده است. به گزارش مزبور ۱۱۲ نفر از کسانی که در این سال اعدام شده اند، در فاصله انتخابات ۲۲ خرداد تا مراسم تحلیف احمدی نژاد اعدام گردیده اند. به این ترتیب سردمداران جمهوری اسلامی در شرایطی که توده ها در اعتراض به ۲۰ سال سلطه سرکوبگرانه آنها به تظاهرات خیابانی متوسل شده بودند حداقل ۱۱۲ نفر را اعدام نمودند تا از مردم به قول خودشان زهر چشم بگیرند.

همین واقعیت ضرورت مبارزه بر علیه احکام ددمنشانه دیکتاتوری حاکم و تلاش برای متوقف کردن ماشین قتل و جنایت آنها را دو چندان نموده است. بیش از ۳۰ سال سلطه خونین جمهوری اسلامی به روشنی نشان داده است که چنین تلاشی زمانی قرین موفقیت می گردد که اولاً این امر که دار و شکنجه و زندان و اعدام ذاتی سلطه جمهوری اسلامی می باشد، درک گردد و ثانیاً مبارزه جاری توده ها نابودی تمامیت رژیم دارو شکنجه حاکم را هدف خود قرار دهد.

اگر تنها گزارش عفو بین الملل را که بدون شک تنها بخشی از جنایات جمهوری اسلامی را منعکس نموده در نظریه‌گیری در سال گذشته جمهوری اسلامی بطور متوسط هر روز بیش از یک نفر را اعدام نموده است. یعنی روزی نبوده که سردمداران جنایتکار جمهوری اسلامی جان انسانی را از وی نگرفته باشند. برآستی از حکومت جلادی که برای ایجاد رعب و وحشت در میان مردم و سرکوب مبارزات آنها از زبان ولی فقیه جنایتکارش فریاد می کشد که سیاست راهنمای حکومتش "النصرالبرعب" می باشد، چه انتظار دیگری می توان داشت.

### به یاد نوروهای خونین در ترکمن صحرا و سندیج

در نوروز سال ۱۳۵۸ یعنی کمتر از دو ماه پس از قیام شکوهمند کارگران و خلقهای تحت ستم ایران، رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی با یورش وحشیانه خود به مردم قهرمان سندیج و ترکمن صحرا چهره ضد خلقی خود را عریان ساخت. و بدینوسیله علیرغم تمامی تبلیغات فریبکارانه مبنی بر "پیروزی انقلاب" و قیام توده ها، شکست قیام ۲۲-۲۱ بهمن را آشکار ساخت. در فروردین ۱۳۵۸، رژیم نیروهای سرکوبگر خویش را بر علیه خلق ترکمن وارد عمل نمود، چرا که این خلق برای تحقق خواستههای عادلانه خویش به پا خاسته و در جهت تقسیم زمین و ایجاد یک نظم نوین می کوشید. در سندیج نیز مردم زحمتکش این شهر با تشکیل شوراهای شهر در جهت اعمال حاکمیت خلقی و نابودی نظم کهن به پیش می رفتند. اما جمهوری اسلامی با کشتار خلقهای ترکمن و کرد نشان داد که تنها وظیفه اش حراست از نظام سرمایه داری وابسته به امپریالیسم در ایران است و در اجرای این وظیفه از هیچ جنایتی در حق کارگران و خلقهای تحت ستم ایران خودداری نمی کند. در سالگرد نوروهای خونین ترکمن صحرا و سندیج یاد تمامی جانبازان این جنایت وحشیانه را گرامی می داریم که با مقاومت و نبردی دلورانه در برابر هجوم ارتش و سپاه ضد خلقی جمهوری اسلامی چهره این رژیم جنایتکار را با نثار خون خود افشا نمودند.

<http://www.siahkal.com>

از صفحه چریکهای فدائی خلق ایران در اینترنت دیدن کنید:

<http://www.ashrafdehghani.com>

از صفحه اشرف دهقانی در اینترنت دیدن کنید:

شماره تلفن برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران 0044-7946494034

برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران با نشانی زیر مکاتبه کنید:

BM Box 5051, LONDON, WC1N 3XX, ENGLAND

[ipfq@hotmail.com](mailto:ipfq@hotmail.com)

آدرس پست الکترونیک:

پیروز باد انقلاب! مرگ بر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی! زنده باد کمونیزم!

